باسمه تعالی

استاد گرانقدر جناب آقای دکتر روح الله اسلامی

ضمن تقدیر از ارسال مقاله و اعلام حضور در همایش انقلاب اسلا
عاری از خشونت ، بدینوسیله از حضرتعالی دعوت می شود در ز
اعلام شده، جهت ارائه مقاله حضور بهم رسانید.

با تشکر

دکتر منصور انصاری

دبیر علمی همایش منصور انصاری

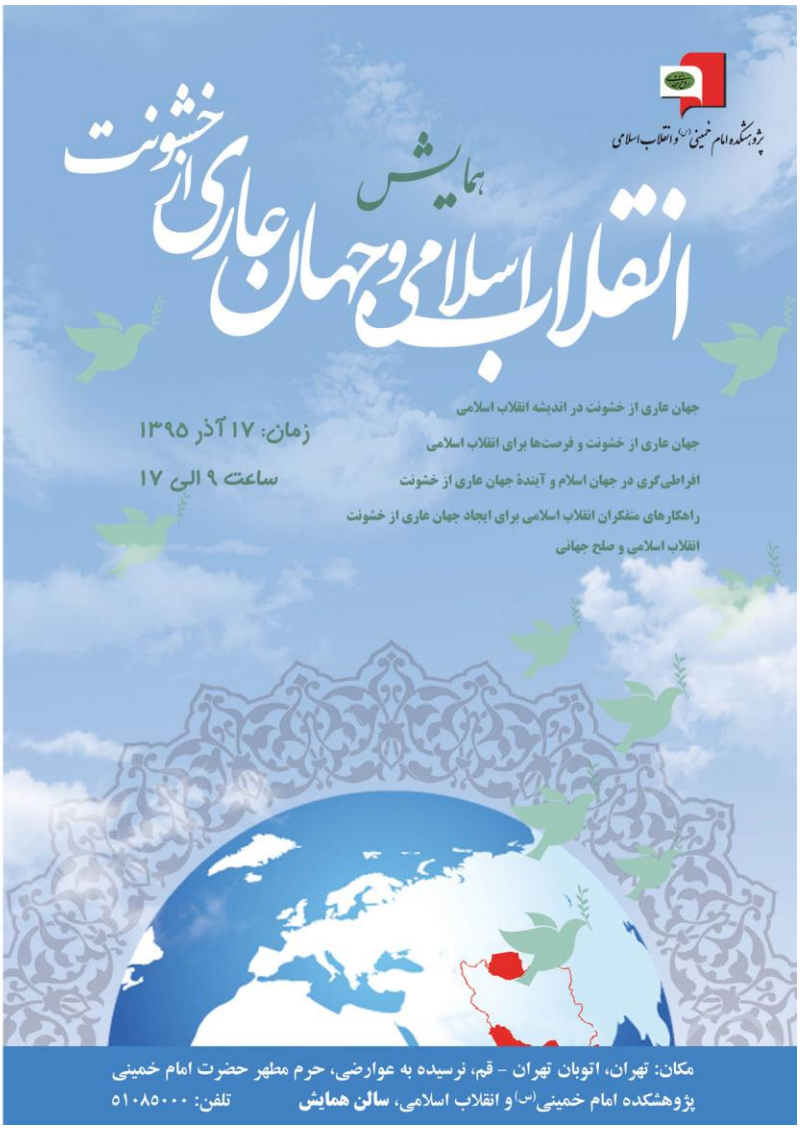

شماره: ۳۱/۵/۶۹۰۹۵
تاریخ: ۹۵/۱۰/۱

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی

گواهی پذیرش مقاله

پژوهشگر ارجمند جناب آقای دکتر روح الله اسلامی

بدینوسیله گواهی می شود مقاله پیدارشناسی صلح در اندیشه انقلاب اسلامی ایران

در همایش ملی انقلاب اسلامی و جهان حاری از خشونت

در کمیته علمی و هیئت داوران پذیرفته شده و در تاریخ ۹۵/۹/۱۷ در پژوهشکده امام خمینی(س) و انقلاب اسلامی ارائه گردیده است. پیشرفت روزافزون و خلق آثار پژوهشی ارزشمند دیگر را برایتان آرزومندیم.

دکتر منصور انصاری
دبیر علمی همایش

دکتر یحیی کفوزی
معاون پژوهشی پژوهشکده

http://www.ri-khomeini.ac.ir/fa/content/article/single/id/1156

http://www.ri-khomeini.ac.ir/fa/content/article/single/id/1155

پدیدارشناسی صلح در اندیشه انقلاب اسلامی ایران

روح اله اسلامی[1]

چکیده

با ظهور انقلاب اسلامی در ایران ادبیات سیاسی جدیدی در اواخر قرن بیستم با عنوان ورود اسلام سیاسی به عرصه عمومی به وجود آمد. بازنمایی انقلاب اسلامی با رویدادهایی چون گروگان گیری در سفارت آمریکا، جنگ هشت ساله، حمایت ایران از حزب اله و حماس، طرفداری از جنبش‌های اسلامی، نفی اسرائیل، نقد غرب و سرمایه داری، ضدیت با رژیم های استبدادی عربی، تلاش برای ناکام گذاشتن آمریکا و ناتو در خاورمیانه، نفوذ داشتن در عراق، افغانستان، لبنان، سوریه و فلسطین، حمایت از انقلاب در یمن و بحرین و .... چهره‌ای خشونت طلب، جنگجو و تروریست از ایران در اذهان منطقه و جهان شکل داده است. این پژوهش سعی دارد با تعلیق آگاهی، شکاکیت و فرا رفتن از قصدیت های قدرت در منطقه و جهان به تفسیر و تحلیل جهان زیست اندیشه انقلاب اسلامی که ریشه در سنت ایرانی اسلامی دارد، بپردازد و نشان دهد که رگه های صلح طلبی، آبادانی، مشارکت مردم و گرایش به امنیت و ثبات در سازه ها و ساختار سیاست ایرانیان بعد از انقلاب وجود دارد. برای این منظور با استفاده از روش کیفی پدیدارشناسی و با ارجاع به متن قانون اساسی و درآوردن پدیدارهای اسلامی، شیعی، انقلابی، ملی و انسانی به واکاوی صلح خواهی ایرانی خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

پدیدارشناسی، صلح، انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی.

---

[1]- استادیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد - eslami.r@ferdowsi.um.ac.ir

بیان مسئله

در اواخر قرن بیستم ایرانیان، انقلابی ایجاد کردند که در آن مذهب به عرصه عمومی با روایت حکومتی بازگشت (در باره مذهب در حوزه عمومی بنگرید به: هابرماس 1388). مبنای شکل و محتوای دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس روایت فقهِ شیعی بود یعنی رئیس حکومت را ولایت فقیه نامیدند و نهادهای شورای نگهبان، مجلس خبرگان رهبری، تشخیص مصلحت و قوه قضائیه وظیفه نگه داشتن شریعت در سیاست را برعهده گرفتند. این شکل از سیاست گذاری با مبنای فقه شیعی و نهادهای تجربی مبتنی بر سیاست‌گذاری دینی در طول سی و اندی سال در ادبیات سیاست، بی سابقه بود. علاوه بر سیاست گذاری داخلی ایران در بعد منطقه و بین الملل به دلیل تاثیر تبلیغات و واکنش های کشورهای عربی به رهبری عربستان و غربی‌ها به رهبری اسرائیل و آمریکا ،ایران را محور شرارت و کشور حامی تروریسم معرفی کردند. وقایع زیادی روی داده است که بازنمایی منفی از نقش ایران صورت گرفته است. با آنکه در ایران جامعه مدنی پویا، احزاب قدرتمند، مشارکت شهروندان، حضور زنان در عرصه عمومی، شاخص‌های توسعه سیاسی و انسانی به وفور یافت می‌شود اما تصویر کشوری استبدادی، تئوکراتیک، ضد حقوق بشر، خشونت طلب، ماجراجو که تنها روحانیت در آن قدرت دارند به نمایش گذاشته می‌شود (Marschall 2003).

بعد از اینکه در ایران انقلاب اسلامی روی داد مجموعه حوادث پشت سر هم باعث گردید، بازنمایی منفی تقویت شود. اشغال سفارت آمریکا اولین حلقه از زنجیره‌ای تداومی بود که موجب شد ایران رو در روی آمریکا و غرب قرار گیرد. بعد از آن جنگ ایران و عراق با تجاوز صدام حسین به مدت هشت سال ایران را در وضعیت بحرانی قرار داد. سپس حمایت ایران از حماس و حزب اله و نفوذ ایران در لبنان و فلسطین و حتی همراهی لیبی و سوریه با ایران بازنمایی منفی و خشونت طلبانه از ایران را تشدید بخشید. پس از آن آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم به افغانستان و عراق لشکرکشی کرد و ایران را محور شرارت نامید. ایران مدام از سوی کمیته ها و شورای حقوق بشر سازمان ملل محکوم می‌گردید تا اینکه گزارشگر ویژه حقوق بشر برای محکومیت ایران مشخص شد. با آنکه حضور آمریکا و کشورهای متحد او در جهان اسلام جریان های تکفیری و خشونت طلب

را تشدید کرد اما همچنان ایران کشوری ضد صلح و طرفدار تروریسم معرفی گردید. انرژی هسته ای پرونده ای جدید بود که با آن تلاش کردند ایران را بازیگری خطرناک توصیف کنند که می‌خواهد به بمب اتم دست پیدا کند. ایران با زبان مذاکره، دیپلماسی، زور، تهدید و ... با آنها صحبت کرد اما نتیجه ای نداشت. غرب با همکاری چین و روسیه تحریم های شدید اقتصادی علیه ایران اعمال کردند. ایران قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای را پذیرفت و حتی غنی سازی بالای بیست درصد را تعلیق کرد. شورش‌های مردمی خاورمیانه با آنکه در امیدواری فراوان آغاز گردید اما بر اثر مداخله خارجی، ناتوانی گروه های اسلام گرا، نبود زیرساخت های لازم و همین طور قدرت گیری تروریست ها بهار عربی را تبدیل به خزان عربی کرد. در این حوادث ایران مثل همیشه راهی مغایر با غرب پیمود و برعکس سیاست های اسرائیل، آمریکا و اروپا در منطقه از منطق خاصی پیروی کرد. ایران از بشار اسد حمایت نمود، از قدرت گرفتن اخوان المسلمین مصر خوشحال شد، از به قدرت رسیدن مردم در یمن و بحرین حمایت کرد و با گروه های تکفیری مثل داعش با تمام قوا وارد نبرد شد. این رویه برخلاف سیاست های منطقه ای ترکیه و عربستان است. این وقایع نیز باعث شد که بار دیگر ایران به عنوان کشوری متفاوت قلمداد شود که البته از منظر رسانه‌های غربی ترویج دهنده خشونت، تروریسم و حمایت فرقه ای در منطقه می‌باشد.

در این سی و پنج سال وقایع گفته شده باعث بازنمایی خشونت طلبی و تروریستی از ایران شده است که مفسران آن را به انقلاب اسلامی و وارد شدن شریعت اسلام در سیاست گذاری می‌دانند (Ricks 1992). البته در قرن بیست و یکم با توجه به نقش امنیت ساز ایران در منطقه ،برخی از پژوهشگران راه و طرح ایران را در راستای صلح و جهان بدون خشونت می‌دانند. در مقابل سیاست‌های اسرائیل، آمریکا، ناتو، ترکیه و عربستان، ایران سیاستی متفاوت و موفق را دنبال کرده است. ایران در عین حال که دارای دولت جمهوری اسلامی است و نهادهای ضامن و مفسر شریعت دارد، از دستاوردهای روز و عقل و تجربه بشری نیز استفاده می‌کند. سیاست-های ایران در منطقه وجوه عقلانی و واقع گرای زیادی داشته که به نفع منطقه و جهان بوده است. این پژوهش قصد دارد، نشان دهد علی رغم روایت سازی منفی از ایران، پدیدار مبانی اندیشه و کنش سیاسی ایران دارای وجوه صلح‌گرای زیادی است. تبلیغات اسلام، شیعه و ایران هراسی باعث شده است گره‌های اصلی و بحران‌های واقعی جهان به حاشیه کشیده شود و به جای همه آنها ایران قرار بگیرد. عربستان استبدادی که رژیم عشیره‌ای دارد و به مدت چندین دهه از تروریست‌ها حمایت کرده است، ترکیه که داعیه اسلام مدنی دارد و مانع سرکوب داعش می‌گردد و کشورهای ذره ای چون قطر که مرکز فتنه و آشوب و جنبش‌های تروریستی به حساب می‌آیند،کنار گذاشته می‌شوند و تنها کشور منطقه که به طور واقعی با داعش و بنیادگرایان در حال جنگ است؛ یعنی ایران به عنوان محور شرارت و ضد صلح معرفی می‌شود. این پژوهش قصد دارد به مبارزه و نقد علمی روایت‌های ضد ایران بپردازد و نشان دهد جمهوری اسلامی ایران از ابتدای شکل‌گیری تاکنون با

ورود اخلاق و شریعت به سیاست تبدیل بـه الگـویی شـده کـه بـرای منطقـه صـلح و آرامـش را بـه ارمغـان آورده اسـت. ایران سرنوشت محتوم همـه کشـورهای منطقـه اسـت و ایـن مـوارد کـه ناشـی از اسـتقلال و آزادی دولـت ایـران اسـت برخاسـته از شـعارها و آرمـان هـای ایرانیـان اسـت کـه در انقـلاب اسـلامی در قـانون اساسـی متبلـور شـده اسـت (Ramazani2008:1-17). ایـران کشـوری اسـتبدادی، تروریسـم پـرور، خشـونت طلـب و ضـد صـلح نیسـت بلکـه مبانی اندیشه ای و پدیـدار سیاسـی آن کـه ریشـه در جهـان زیسـت هـای قـانون اساسـی ایـران دارد بـازیگری معقـول، اخلاقـی، اسـلامی و انسـانی را شـکل داده اسـت. پرسـش ایـن پـژوهش چنـین اسـت کـه پدیـدارهای صـلح‌گـرا در جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پیشینه تحقیق

متون مربوط به بازنمایی چهـره سیاسـی ایـران در محـیط بـین الملـل اغلـب وجـه منفـی دارنـد و بـه علـت موضـوعات ایران، اسـلام و شـیعه هراسـی در منطقـه و جهـان، ایـن بازنمـایی خشـونت آمیـز تشـدید شـده اسـت. کـافی اسـت بـه مجموعـه مقـالات و کتـاب هـا و یـا بـورس‌هـای تحصـیلی جامعـه شناسـی، علـوم سیاسـی و روابـط بـین الملـل در موضوع ایران مراجعه کرد، مشاهده می شـود اغلـب نوشـته هـا وجـه منفـی از ایـران را بازنمـایی مـی‌کننـد. همـان طـور که ایران اسرائیل، آمریکا و غرب را شـیطان بـزرگ قلمـداد مـی‌کنـد آنهـا نیـز ایـران را بـا برچسـب محـور شـرارت نـام دهی می‌کنند. کافی اسـت نـام ایـران را در تصـاویر گوگـل (Google image) جسـتجو کنیـد تـا مشـخص شـود چقـدر از بازنمایی صلح فاصله داریـم. پـژوهش‌هـای صـورت گرفتـه نیـز ایـران را ضـد حقـوق بشـر، نـافی حقـوق زنـان، ضـد دموکراسی، دشمن غرب و طرفـدار تروریسـت‌هـا معرفـی کـرده انـد و ایـن صـفات را بـا اسـتفاده از پـژوهش‌هـا تقویـت می‌کنند (Honarbin 2010).

ادبیات سیاست خارجی: فرید زکریـا، ولـی نصـر و بـابی سـعید سیاسـت خـارجی ایـران را ضـد صـلح مـی‌داننـد. اغلـب کتاب ها در باره سیاست خارجی ایران بعد از انقـلاب تمرکـز دارنـد و چنـین مـی‌نویسـند کـه بـن بسـت منطقـه و حـاکم نشدن امنیت برای مسیرهای نفتی به دلیـل سیاسـت خـارجی آرمـان گـرای ایـران اسـت. ایـن گـروه از پـژوهش‌هـا کـه مدام از طرف رسانه‌هـا، دانشـگاه هـا و پژوهشـکده‌هـای آمریکـایی در دنیـا تولیـد و پخـش مـی‌گـردد، سیاسـت خـارجی ایران را باعث تفرقه، جنگ و بی ثباتی منطقه می‌دانند (Ehteshami 2008).

ادبیات اسلام سیاسی: برخـی از پـژوهش هـا مثـل تحقیقـات سـعید امیـر ارجمنـد، آبراهامیـان و آصـف بیـات ایـران را کشوری می‌دانند که در سال 1357 بـه دسـت اقتـدارگرایان مـذهبی افتـاد. اسـلام سیاسـی شـیعه در ایـران بـه قـدرت رسید که اعتقاد چنـدانی بـه سیاسـت خـارجی واقـع‌گرایانـه و حفـظ منـافع ملـی کشـور را نـدارد. اسـلام سیاسـی شـیعه همه هدف خود را بـر اسـاس ایمـان و اعتقـاد بـه ولایـت فقیـه قـرار داد و سـعی کـرد نظـم منطقـه و بـین الملـل را در جهـت منـافع ایمـانی قـرار دهـد. ایـران کشـوری اسـت کـه از سـوی روحـانیون تنـدرو اداره مـی‌شـود و همیشـه از

جریـان‌هـایی کـه قصـد داشـته انـد اسـلام و سیاسـت را بـه یکـدیگر نزدیـک کننـد، حمایـت کـرده انـد (Arjomand 2008).

ادبیات تروریسم: در زمان بوش ایـران محـور شـرارت و در انتهـای دوره اوباما سـال 2015 بـا آنکـه ایـران بـا گـروه های تروریستی مثل داعـش مـی‌جنگیـد، در ردیـف کشـورهای تروریسـتی معرفـی شـد و در کنـار عـراق و سـدان قـرار گرفت. در دیدگاه غرب ایـران بـدتر از عربسـتان، افغانسـتان، ترکیـه و قطـر اسـت و همـه اخبـار و رسـانه هـا بخصـوص تحلیل‌های کارشناسان رسانه ای آنها ایرانیان را با تروریست برابر می‌انگارند (Hunter 2010).

این پژوهش‌ها، با آنکه ایـران حـامی ثبـات منطقـه اسـت و از جنـبش هـای دموکراتیـک دفـاع کـرده اسـت و طرفـدار دولـت‌هـا در برابـر جنـبش‌هـای رادیکـال اسـت و بـه طـور مسـتقیم بـا داعـش در جنـگ اسـت، هنـوز تفـاوت اسـلام سیاسـی و فرهنـگ شـیعیان ایـران بـا سـایر اسـلامگرایان سیاسـی را درک نکـرده انـد. پیشـینه تحقیـق در مـورد صـلح گرایی ایرانیان به دلیـل اسـلام سیاسـی، فرهنـگ شـیعی و ایـران هراسـی ادبیـات زیـادی نـدارد. تنهـا آثـار پژوهشـی و مقاله‌های دکتر روح اله رمضانی بـا دیـد واقـع گرایانـه نشـان داده اسـت کـه ایرانیـان مخـالف صـلح نیسـتند و در همـه دوران کمتـر از سـایر بـازیگران منطقـه اشـتباه داشـته انـد (Ramazani 2001). ایـن پـژوهش قصـد دارد بـا تکیـه بـر روش پدیدارشناسـی و جسـتجو در منـابع و مبـانی اندیشـه انقـلاب اسـلامی ایـران روایـت صـلح گرایـی ایرانیـان را ترسیم نماید.

روش شناسی (پدیدارشناسی)

یکی از کیفی تـرین و در عـین حـال عمیـق تـرین روش‌هـا بـرای تحلیـل اندیشـه سیاسـی، پدیدارشناسـی اسـت. بـرای پژوهشگرانی که روحیـه ای فلسـفی دارنـد و قصـد دارنـد فریـب ظـواهر دنیـای مـدرن و پسـامدرن را نخورنـد و دیـدگاه عمیـق نقادانـه ای بـه تکنولـوژی داشـته باشـند، پدیدارشناسـی کـاربرد بسـیار زیـادی دارد. حیطـه کـار روش پدیدارشناسـی، بررسـی و نقـد اندیشـمندان و مکاتـب دوره مـدرن و پسـامدرن بـه همـراه نقـد شـدید بـر تکنولـوژی، صنعت، اطلاعات، علم و هر چیزی است کـه در دوره جدیـد بـه نـام عقلانیـت غـرب در حـال مطـرح شـدن مـی باشـد. به قدری پدیدارشناسی بر نقد عقلانیت غـرب پافشـاری مـی‌کنـد کـه گـرایش هـای محـیط زیسـت گـرا، صـلح طلـب، توسـعه روسـتاها، فلاسـفه اخلاقـی و عارفـان مـذهبی؛ پدیدارشناسـی را رویکـردی درونـی و خـودی بـه حسـاب مـی-آورند.

اولـین مـتن مکتـوب پدیدارشناسـی در دهـه سـی و چهـل قـرن بیسـتم از سـوی ادمونـد هوسـرل در فضـای سرخوردگی از عقل غربی شکل گرفت. ادموند هوسـرل بـه نقـد سـوژه محـوری مدرنیتـه کـه توسـط دکـارت آغـاز شـده بود، پرداخـت و گفـت: شـکاکیت دکـارت بـرای عبـور از سـنت متصـلب قـرون وسـطی نقطـه بسـیار خـوبی بـود امـا در

ادامـه خطـایی تـوهمی را شـکل داد (هوسـرل،1381: 78). دکـارت بـه جـای اینکـه بگویـد: مـن مـی‌اندیشـم پـس هستم، می‌بایست بگویـد: مـن مـی‌اندیشـم پـس اندیشـه وجـود دارد. ایـده اسـتعلا توسـط دکـارت و هگـل نیـز مطـرح شده بود اما آنها نتوانستند از متافیزیک فکر غربـی خـارج شـوند. هوسـرل نشـان داد بـا تسـلیم شـدن عقلانیـت بـه علـم به همراه قصـدیت ریاضـی کـردن جهـان طبیعـی و انسـانی بلایـای جنـگ، مریضـی، خشـونت و نـاآرامی افـزایش پیـدا کرد. علم و مدرنیته عقلانیت بـی طـرف نبودنـد، بلکـه در ذات خـود قصـدیت بیشـینه کـردن سـود و افـزایش لـذت بـه نحو نابرابر را به دنبال داشـتند. هوسـرل در فضـایی آکادمیـک بـه نقـد عقـل مـدرن و علمـی پرداخـت و تمـام تلاشـش این بود که با اپوخه و تعلیـق کـردن علـم و تکنولـوژی و بـاز کـردن جـای فلسـفه، بحـران در عقلانیـت غـرب را نشـان دهد(رشیدیان 1384: 169).

پدیدارشناسـی علمـی هوسـرل را شـاگردش علـی رغـم تمـایلات متفـاوت سیاسـی ادامـه داد و وجهـی وجودشناسـانه به آن بخشید. هایـدگر روسـتازاده ای کاتولیـک بـود کـه مخـالف گسـترش تکنولـوژی و صـناعات جدیـد تمـدن مـدرن به آلمان بود. او اعتقاد داشت، مدرنیته خداونـد را نـابود کـرده اسـت و در حـالی کـه خـود ادعـای مبـارزه بـا متافیزیـک و سـنت و همچنـین شـیوه ایـی متـافیزیکی و دیـانتی دارد. مدرنیتـه و عقلانیـت علمـی دارای وجـه متـافیزیکی هسـتند، که پرسش از خود را برنمی‌تابنـد و علـی رغـم ناکارآمـدی هـای بسـیار زیـادی کـه دارنـد بـر تـداوم ویرانـی بشـر و بـی خانمان کردن او تلاش می کننـد. علـم غربـی بـا توجـه بـه جـدایی سـوژه از ابـژه هـیچ دلبسـتگی بـه انسـان و طبیعـت ندارد و با خدا دانستن عقل خود فکـر مـی‌کنـد کـه مـی‌توانـد بـرای تمـام هسـتی برنامـه بنویسـد. هایـدگر مـی‌گویـد:" انســان موجــودی ضــعیف و گرفتــار در ســاختارهایی چــون زبــان، تــاریخ و از همــه مهــم تــر هســتی اســت "(هایـدگر1386: 193). انسـان یـا همـان دازایـن پرتـاب شـده در هسـتی اسـت و هـر کنشـی از سـوی انسـان بـه طبیعـت و خـود انسـان دارای عکـس العمـل هـایی اسـت، کـه نبایـد نادیـده گرفتـه اسـت. تمـام درختـان، اشـیاء و موجودات هستی دارای شعور هسـتند و زمـین، آسـمان و تمـام هسـتی حـق زیسـتن دارنـد و انسـان بایـد دانشـی تولیـد کند که با همدلی و عشق نگهبان و شبان هستی باشد(جمادی 1385: 647)

تحقیقات پدیدارشناسانه با رویکرد بسـیار کیفـی و اندیشـه ای بـرای نقـد تکنولـوژی هـای مـدرن و پسـامدرن قـدرت کاربرد فراوان دارند. هایدگر اعتقـاد دارد عمـده مشـکل روش هـای اثبـاتی ایـن اسـت کـه بـا جـدایی سـوژه از موضـوع مورد بررسی توان وجودی تکنولوژی را به منزلـه یـک هسـتی کامـل دسـت کـم مـی‌گیرنـد. بسـیاری اعتقـاد دارنـد کـه در برخـورد بـا تکنولـوژی هـای رسـانه ای، اطلاعـاتی و ارتبـاطی گزینشـی برخـورد مـی‌کنـیم در حـالی کـه تکنولـوژی جهان زیستی است که با خـود، فرهنـگ مربـوط بـه خـود را مـی‌آورد و انسـان هـا را در دایـره ای جبـری قـرا مـی‌دهـد کـه ناخودآگاهانـه ملـزم بـه پـذیرش و رعایـت اصـول و قواعـد آن مـی‌شـوند. موبایـل، اینترنـت، کارخانـه، مـاهواره، مسجد، دانشگاه، راه آهن و سایر وجوه تکنولـوژی، فرهنـگ خـاص خـود را بـه همـراه مـی‌آورنـد و اغلـب نیـز بنـای بـه هم زدن رابطه میان انسان و هستی را دارند.

در نتیجه، روش پدیدارشناسی در تحلیل سیاسی، همدلی زیادی با موضوعاتی دارد که صبغه مذهبی دارند و یا عارفانه و شاعرانه به شمار می‌روند. پدیدارشناسی دغدغه وجود خداوند و با سکولاریسم مشکل دارد. برای اندیشمندان سیاسی که در پی نقد غرب صنعتی و پساصنعتی می‌باشند و می‌خواهند پیامدهای مخرب عقل غربی را در بعد تکنولوژی به چالش بکشانند، این روش کاربرد دارد. البته این روش نیز ظاهر تحقیق را به عهده خود پژوهشگر می گذارد اما به لحاظ معرفت شناسی و رویکرد نقادانه فرضیه های جالبی را به متفکران سیاسی نقاد غرب پیشنهاد می‌کند (بنگرید به اسلامی 1394: 56-54). نحوه کاربردی شدن پدیدارشناسی در مورد موضوع مورد بحث چنین است: ابتدا تمام پژوهش هایی که با قصدیت قدرت ایران را خشونت گرا، جنگ طلب و تروریستی معرفی می‌کنند ،کنار می‌گذاریم. دوم در گزاره های کلیشه ای و بدیهی انگاشته شده‌ای که الگوی اسلام سیاسی ایران را شکست خورده معرفی می‌کنند، شک می‌کنیم. سوم به متون اصیل اندیشه ای و جهان زیست های مهم انقلاب اسلامی ایران رجوع می‌کنیم. چهارم در پیوند قانون اساسی و تحولات سیاسی نسبت جهان زیست جمهوری اسلامی ایران با صلح را تعیین می‌کنیم. به یک معنا در این نوشتار با استفاده از روش پدیدارشناسی سعی در رجوع به اصل واقعیت داریم و اعتقاد داریم جهان آنگونه که ساده و بدیهی به نظر می‌رسد، نیست.

جدول شماره 1: پدیدارهای صلح گرا در جمهوری اسلامی ایرن

1-صلح در پدیدار اسلامی جمهوری اسلامی ایران

اسلام ماهیت انقلاب اسلامی ایران را شکل داده است و روایت اسلام گرایی محتوای رفتار جمهوری اسلامی ایران را سامان دهی می‌کند. در قانون اساسی ایران اصل چهارم عنوان کرده است که همه قوانین در ایران باید مغایرت با شریعت نداشته باشد. نهادهای زیادی در ایران بر اساس وارد کردن شریعت به سیاست و اجتماع طراحی شده اند. نهاد ولایت فقیه اصلی ترین مرکز تعیین سیاست های کلان کشور است که ضمانت اسلامیت نظام به شمار می رود. علاوه بر این نهادهای شورای نگهبان، تشخیص مصلحت، خبرگان رهبری، صدا و سیما، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ... وظیفه تولید و توزیع گزاره های اسلامی را به عهده دارند.در ایران برای ترویج اسلام در داخل و خارج هزینه های زیادی مصرف می گردد و بر همین اساس بسیاری اعتقاد دارند که ایرانیان خود را رهبر جهان اسلام می‌دانند و قصد نفوذ فرهنگی در منطقه را دارند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر بعد داخلی به جنبه خارجی نیز بر اساس اسلام توجه شده است. جمهوری اسلامی کشوری است که ظلم نمی‌کند و ظلم را نمی‌پذیرد، اجازه زدن هیچ پایگاه نظامی خارجی در کشور را نمی‌دهد، در امور داخلی کشورها مداخله نمی‌کند. یکی از اهداف سیاست خارجی ایران دفاع از حقوق مسلمانان و ایجاد امت اسلامی است. ایران همیشه برای وحدت جهان اسلام تلاش کرده است و قانون اساسی نیز چنین مسئولیتی بر عهده دولت قرار داده است. در قانون اساسی آمده است: به حکم آیه کریمه «ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون" همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پی‌گیر به‌عمل آورد تا

وحـدت سیاسـی، اقتصـادی و فرهنگـی جهـان اسـلام را تحقـق بخشـد (قـانون اساسـی: اصـل 11). ایرانیـان معـروف شده اند به کسـانی کـه از جنـبش‌هـای اسـلامی حمایـت مـی‌کننـد و عامـل اصـلی خشـونت، تروریسـم و جنـگ هـای فرقـه ای در منطقـه بـه حسـاب مـی‌آینـد. آنچـه در قـانون اساسـی ایـران نوشـته شـده اسـت حمایـت از جنـبش هـای اسلامی و دفاع از وحدت جهان اسلام برای شکل دهی بـه امـت اسـلامی اسـت. امـت بـر پایـه عقیـده شـکل مـی‌گیـرد و با جماعت های انسانی که بر اسـاس خـون، نـژاد، خـاک و زبـان ایجـاد مـی‌گـردد، متفـاوت اسـت. ایمـان گونـه ای از روایت دینی است که بر اسـاس آن انسـان‌هـای هـم‌مشـرب و عقیـده بـرای ایجـاد جامعـه‌ای جهـانی تـلاش مـی‌کننـد. ایـن روایـت در منظومـه فکـری موسسـان جمهـوری اسـلامی همچـون طالقـانی، مطهـری، شـریعتی و خمینـی وجـود داشت. مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد:

> مرزهـای جغرافیـایی کـه امـروز ملـت هـای جهـان را از هـم جـدا کـرده اسـت بـر اسـاس فعالیـت کشـورهای اسـتعمارگر اسـت و مـا مسـلمانان بایـد بـر اسـاس عقیـده و ایمـان بـا یکـدیگر ارتبـاط داشـته باشیم. هویت ما قبیله و نژاد نیست بلکه عقیده اسلامی است (1362).

شریعتی نیز سیاست را بر اساس شـهرمحوری یونـان تعریـف مـی‌کنـد و مـی‌گویـد الگـوی سیاسـی در جهـان اسـلام همان رابطه امام و امت است که بـر اسـاس سیاسـت‌گـذاری هـدایتی و نـه مصـرف گرایانـه شـکل یافتـه اسـت(1392). بعد از آنکـه انقـلاب اسـلامی در ایـران پیـروز شـد ملـت و جماعـت ایمـانی آن هـم در بعـد جهـانی در قالـب الگـوی صدور انقلاب در دستور کار قـرار گرفـت. ایـران از جنـبش هـای اسـلامی خصوصـا از فلسـطین حمایـت کـرد، در لبنـان حزب‌اله تقویت گردید، شهروندان ملـت‌هـای اسـتبدادی عربـی بـه قیـام علیـه حاکمـان فاسـد فراخوانـده شـدند و ایـران به محور مقاومـت و انقلابـی گـری در منطقـه تبـدیل گشـت. ایـران بـه روسـیه، لیبـی، اخـوان المسـلمین، جنـبش‌هـای آزادی بخش فلسطین نزدیک شد و منطقـه بـا شـوک بیـداری اسـلامی مواجـه گردیـد. بـا حمایـت آمریکـا و کشـورهای منطقه مخالفت های زیـادی بـا اندیشـه و کـنش سیاسـی ایـران صـورت گرفـت کـه در نهایـت بـه جنـگ هشـت سـاله ایران و عراق منجر شـد. صـدام حسـین بـا حمایـت غـرب و کشـورهای محافظـه کـار منطقـه بـه ایـران حملـه نمـود و دولت ایران به سمت دفاع از تمامیـت ارضـی و شکسـت صـدام و همـین طـور بودجـه کشـور در ایـن هشـت سـال بـه سمت امنیت و دفاع حرکت کرد.

کابینه‌های سازندگی و بعـد از آن نیـز دیگـر نتوانسـتند بـر صـدور انقـلاب تاکیـد داشـته باشـند و درآمـدها مـی‌بایسـت صرف بازسازی کشـور، رفـع مشـکل بیکـاری و سـازندگی گـردد. ایـران بـا شـور و هیجـان وحـدت جهـان اسـلام کنـار آمد و واقع گرایانه تر سیاسـت خـارجی را تنظـیم کـرد. بـا آنکـه وحـدت جهـان اسـلام، تشـکیل امـت اسـلامی جهـانی، حمایت از جنبش های اسلامی در سراسر جهان هـدفی متعـالی بـود امـا ایـران تـوان و پتانسـیل لازم بـرای ایـن هـدف را نداشت. کشورهای منطقه به علت هویت هـای عربـی و اهـل سـنت قبـول نمـی‌کردنـد کـه ایـران بـا هویـت فارسـی و اهـل تشـیع بـرای آنهـا برنامـه ریـزی کنـد و نقـش رهبـری منطقـه را در بیـداری اسـلامی ایفـا کنـد. دولـت ملـی

اصلی‌ترین بازیگر عرصه سیاست جدید می‌باشد و شاید بنا نهادن نظم جدید سیاسی بر اساس عقیده دینی به نحوی که سرنوشت واحدهای سیاسی قرون وسطی را پیدا نکند، نیاز به طراحی دقیق تر و هزینه‌های بیشتر داشته باشد که از توان ایران به دور است. در قرون وسطی واحدهای سیاسی بر اساس سامانه مذهبی مسیحیت و بخصوص فرقه های مختلف طراحی گردید که منجر به جنگ های مذهبی و کشتار میلیونی گردید. چگونه می توان ملت را که یکی از شاخص های تشکیل دولت در عصر جدید است را بر اساس ابهام عقیده طراحی کرد؟ نژاد، زبان، تاریخ، خاک و ... جز عناصر هویتی هستند اما اصلی ترین عامل شکل دهی به ملت حاکمیت حکومت در قلمروی سرزمینی است. همه شهروندانی که در قلمروی سرزمینی زندگی می‌کنند ملت یک دولت هستند و از حقوق مساوی برخوردارند. اگر این قاعده را به هم بریزیم و از همه جنبش ها، مسلمانان و گروه های اسلامی که فکر می‌کنیم به ما نزدیک هستند حمایت کنیم ، قلمروهای سرزمینی به هم خواهد ریخت، بی ثباتی به وجود می‌آید، در امور داخلی کشورها مداخله می‌شود و راه برای عملیات‌های تروریستی باز می‌شود.

ایران با همه این شعارها و بازنمایی‌های منفی در اندیشه و کنش سیاسی اغلب جانب واقع گرایی و صلح اندیشی را رعایت کرده است. با وجود انتخابات، جامعه مدنی و چرخش نخبگان در نظام سیاسی، تکنیک‌های سیاست خارجی متفاوت بوده است. ایران در پیامدهای منطقه ای نیز از دولت های ملی عراق، افغانستان، سوریه و یمن حمایت کرده و هر گاه سخن از تجزیه و جنگ داخلی بوده منافع مردم را در نظر گرفته است. آشوب، بی ثباتی، اقدامات تروریستی و جنبش‌های رادیکال نتیجه حمایت آمریکا، اسرائیل، ترکیه ، عربستان، قطر و پاکستان از جنبش های مختلف اسلامی است. ایران با داعش و بنیادگرایان در حال جنگ است و از ثبات، امنیت، صلح و تمامیت ارضی کشورهای اسلامی دفاع می‌کند. ایران، صلح محورترین کشور به لحاظ تعادل میان دفاع از مصلحت دولت و شهروندان در خاورمیانه است و آنقدر در موضوعات پس از جنبش های مردمی قرن بیست و یکم اخلاقی و مبتکرانه عمل کرد که امروز بدون در نظر گرفتن ایران و حمایت از الگوی ایران جهت رسیدن به صلح، وضعیت منطقه رو به راه نخواهد شد. این مورد را روسیه، آمریکا و کشورهای اروپایی قبول دارند که راه ایران و شیوه رفتاری این کشور در مواجهه با بحران های منطقه به عنوان الگویی یکدست و آبرومند قابل استفاده است. با همه این احوال ایران باید کمی در وجهه اسلامی خود به لحاظ شاخص های علم سیاست تجدیدنظر انجام دهد بخصوص در مفهوم ملت و ارتباط آن با دولت و همین طور نحوه ارتباط با سایر دولت ها و ملت های منطقه که هر گونه انفعال یا حرکت رادیکال می‌تواند تبعات منفی بر درآمد ملی و همین طور امنیت ملی کشور داشته باشد. برای صلح هیچ معیاری بهتر از افزایش توان ملی، ائتلاف با کشورهای همسایه و احترام به حاکمیت کشورهای دیگر نیست. دولت موجودی عقلانی و یکی از دستاوردهای عقل بشری است که اگر به هر بهانه ای از بین برود و یا ضعیف شود، صلح از میان خواهد رفت. نباید در ایران قرائت هایی از اسلام صورت گیرد که مغایرت با شاخص های دولت داشته باشد و به اسم حمایت از مسلمانان،

جنبش های اسلامی یا امت اسلامی، تضعیف و نابودی دولت های کنونی اسلامی را در دستور کار قرار دهد. اگر ایده مترقی امت اسلامی قرار است، محقق گردد نیاز به مباحث و تکنیک های منطقه گرایی و همگرایی است که در علم سیاست از آن بحث می‌شود. یکی از بدیهیات منطقه گرایی و تکنیک های همگرایی داشتن دولت ملیت های قدرتمند و ارتباط زیاد کشورها با یکدیگر است. در هیچ کجای دنیا وحدت و همگرایی با نابودی و تضعیف دولت به وقوع نپیوسته است.

2-صلح در پدیدار شیعی جمهوری اسلامی ایران

ایران بعد از صفویه کشوری کاملا شیعی گردید چرا که مذهب تشیع به صورت رسمی مشروعیت حکومت را تعیین می کرد. علما از عراق و لبنان به ایران آمدند و برای اولین بار به طور رسمی شیعه دارای هویت سیاسی و نظام مستقل حکومتی قدرتمند گردید. جمهوری اسلامی ایران در میراث تشیع جنب و جوش زیادی ایجاد کرد و به اندازه صفویه به شیعیان خدمت نموده است. همه نمادها و آیین‌های تشیع زنده گردید و سیاست داخله و خارجه بر اساس میراث شیعه سامان دهی شده است. ولایت فقیه که اصلی ترین نهاد تعیین سیاست های کلان، فرمان دهنده برای جنگ و صلح، حل اختلاف قوا و فرمانده کل نیروهای مسلح می‌باشد از نظام سیاست شیعه که مبتنی بر امامت است گرفته شده است. در ایران روحانیون شیعه به خصوص فقها که در حوزه علمیه درس می‌خوانند قوه قضائیه، شورای نگهبان، کارمندان نهادهای مذهبی، اوقاف، مراکز دینی و مساجد و اغلب بنیادهای حکومتی را در اختیار دارند. فیلتر کننده، مرجع تصمیم گیری، روایت نهایی حل اختلافات سیاسی به روایت های فقهی بازمی گردد. فقه شیعه در جمهوری اسلامی ایران به خصوص با قرائت علی شریعتی و امام خمینی روایت های استبدادی و پادشاهی صفویه از میراث تشیع را کنار زد و به صورت مستقل ارائه دهنده جهموریت و الزامات جدید حکمرانی در جهان زیست سیاسی تشیع گردید. جمهوری اسلامی ایران برای ائمه احترام زیادی قائل است و شهادت ها و تولد ائمه روزهای غم و شادی مردم به حساب می‌آید. بخصوص ایام محرم و عزاداری های تاسوعا و عاشورا و همین طور غدیر نمادهای آیینی شیعیان هستند که نظام سیاسی از تقویت و فراگیر شدن آنها حمایت می‌کند. روایت اصلی هویت بخش و ایدئولوژی رسمی و مورد حمایت حکومت تشیع می‌باشد.

تشیع علاوه بر اینکه شکل و محتوای سیاست داخله ایران را شکل می‌دهد، در منطقه نیز نقشه راه حمایت از کشورها را ترسیم می کند به طوری که مردم و جنبش‌های تشیع برای ایران اولویت دارد. ایران برای کشورهایی که در آنها مراکز زیارتی شیعیان وجود دارد ،حمایت زیادی انجام می‌دهد. به عنوان مثال، با روی کار آمدن داعش و حرکت آنها در جهت تخریب میراث آیینی و حرم های ائمه و صحابه پیامبر (ص)، ایرانیان به صورت رسمی به گروه های تکفیری و تروریست اعلام جنگ کردند. ایران در سوریه و عراق از شیعیان حمایت

می‌کند و مبارزانی که در راه بیرون کردن داعش در حال فعالیت هستند، به عنوان مدافعین حرم برچسب خورده اند.

تشیع در سیاست خارجی ایران به عنوان منبع رفتاری محسوب می‌گردد هر چند ایران از تمامیت ارضی همه کشورها دفاع کرده است اما جهت گیری خاصی در مورد آیین‌ها و نمادهای شیعه دارد. ایران در منطقه قفقاز و جمهوری های استقلال یافته مثل آذربایجان دخالت نمی‌کند و هر زمان ظلمی علیه مسلمانان و شیعیانی که در حیطه نفوذ روسیه هستند، اعمال می‌گردد به صدور بیانیه و گزاره های کلامی اکتفا می‌کند. در مورد یمن و بحرین ایران علاقه مند است که شیعیان قدرت را بگیرند و رژیم های استبدادی وابسته کنار گذاشته شوند. اما این دو کشور و شیعیان عربستان تحت سلطه آل سعود هستند. عربستان به طور مشخص و رسمی به بحرین و یمن لشکرکشی کرده است در حالی که ایران به صورت دیپلماتیک از شیعیان این دو کشور حمایت می‌کند و اگر کمک و مشاوره نظامی است به صورت مخفیانه و غیررسمی صورت می‌گیرد. ایران در باره عراق، سوریه، لبنان و فلسطین به صورت رسمی و کاملا حساب شده وارد نبرد شده است و عمق استراتژیک خویش را حتی در صورت تقابل با آمریکا، اسرائیل، ترکیه و عربستان به این مناطق بسط داده است. ایران از بشار اسد حمایت کرده است و می‌خواهد علویان در قدرت باشند. ایران از حزب اله لبنان حمایت می‌کند و حتی به آنها در مبارزه با اسرائیل، داعش و گروه های تکفیری همه گونه حمایت انجام داده است. ایران به کردهای عراق و دولت عراق کمک کرده است تا در قلمروی داعش قرار نگیرند. دفاع از حرم و مناطق شیعه نشین و همین طور ایستادگی در برابر گروه های تکفیری تروریستی از اهداف ایران در قرن بیست و یکم می‌باشد. این گونه رفتار کردن باعث شده است عربستان، ترکیه و اسرائیل به تقویت گروه های تکفیری تروریستی با همراهی اروپا و آمریکا بپردازند تا جلوی نفوذ ایران در منطقه را بگیرند. به اعتقاد عربستان، ایران در حال تکمیل هلال شیعی از لبنان و سوریه تا یمن ، بحرین ، عراق ، افغانستان و آذربایجان می‌باشد. بازنمایی ترسناک رفتار ایران از سوی رسانه های منطقه و جهان باعث صف آرایی در منطقه گردیده است. چند عامل باعث شدکه ایران بار دیگر مورد توجه قرار گیرد و در سال 2015م. بازگرداندن صلح به منطقه کلیشه های نادرست در مورد هلال شیعی کنار گذاشته شود. تروریسم به اروپا کشیده شد، داعش قدرت زیادی گرفت، عربستان وارد جنگ بی پایان با یمن گردید، روسیه با داعش وارد جنگ مستقیم شد، ترکیه هواپیمای روسیه را ساقط کرد و بهای نفت به پایین ترین میزان خود در بیست سال گذشته رسید. این عوامل باعث شده است که در باره اندیشه سیاسی شیعه، مدل حکومتی ایران، شیوه مبارزه ایران با تروریست ها، امنیت داخلی ایران، رابطه تروریست ها با ترکیه، عربستان و قطر بازاندیشی صورت گیرد و شیعیان به عنوان گروهی صلح طلب معرفی گردند.

شیعیان در طول تاریخ جنگ طلب نبوده اند به نحوی که در اندیشه شیعه سیاسی مفاهیمی چون، امامت، عقلانیت، عدل، مصلحت، تقیه و غیبت باعث شده است به سمت جنگ مستقیم و اقدامات بنیادگرایانه رادیکال

حرکت نکنند. شیعیان اغلب در طول تاریخ در اقلیت بوده اند و مخفیانه زندگی می‌کردند. گروه های دیگر آنها را تعقیب و به جرم داشتن عقاید شیعی زندانی یا اعدام می‌کردند. شیعیان با توجه به اعتقاد به امامت همیشه از رهبر خویش اطاعت می کنند بخصوص در زمان غیبت در اجرای احکام اسلامی و در زمان جهاد بدون اذن رهبر کاری انجام نمی دهند. شیعیان اعتقاد ندارند که باید دیگران را با جنگ و حمله به دین دعوت کرد و جهاد ابتدایی را مخصوص حکم امام می‌دادند. تنها در صورتی جهاد صورت می‌گیردکه کشور مورد حمله قرار گیرد. شیعیان اغلب گروهی آرام، منطقی و صلح جو بوده اند و حتی امام حسین (ع) به عنوان الگویی مقاوم در برابر یزید، خلیفه نامشروع ،که عهد پدرش با امام حسین (ع) را رعایت نکرد در ابتدا قصد جنگ نداشت و با توجه به اجبار بیعت وارد نبرد گردید (فیرحی 1393: 249-252).

فرهنگ ایرانی نیز به تشیع نزدیک است بویژه به لحاظ ساختاری که ایرانیان یکجانشین بودند و با کار و آبادانی دنیا امور خود را سپری می‌کردند، به نحوی که جنگ و رفتارهای متعصبانه برای ایرانیان مهلک بود. صلح و امنیت برای ایرانیان آبادانی و سعادت به همراه داشت و جنگ و خشونت تمدن آنها را نابود می‌کرد. اغلب خشونت ها به دلیل اجرای به زور احکام اسلامی و اعتقاد به جهاد ابتدایی است. شیعیان اعتقادی به تحمیل اجباری عقاید و راه اندازی جنگ ندارند و هر دو را به ظهور امام زمان ارجاع می‌دهند. فرهنگ شیعی با توجه به مبانی عقلانی و مصلحت محوری و همین طور اعتقاد به ظهور امام از اقدامات جنگ طلبانه و خشونت آمیز به دور است. این نگرش در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی نیز وجود دارد و ایران به هیچ کشوری حمله نمی‌کند و تنها در برابر تهاجم و ظلم ایستادگی می‌کند.

3-صلح در پدیدار ملی جمهوری اسلامی ایران

ایرانیان دارای فرهنگ ملی هستند و به گفته برخی از متفکران چون دکتر طباطبایی ایران خود فلسفه ای است که دارای نظام اندیشه گانی است. راز ماندگاری ایرانیان در طول تاریخ صلح دوستی و رواداری بوده است که نسبت به دیگران داشته اند. موقعیت جغرافیایی ایران به گونه ای است که نمی‌تواند منزوی و گریزان از سایر بازیگران باشد. اغلب ارتباطات شرق و غرب، شمال و جنوب از ایران صورت می‌گرفته است و با آنکه ایرانیان خود را قبله عالم می دانند اما بیش از همه تمدن ها از دیگران آموخته اند. ایران با تمدن های چین، هند، یونان، روم و حتی قبایل عرب و مغول رابطه برقرار کرده است اما هیچ گاه به لحاظ فرهنگی از ایرانی بودن خارج نگردیده است. هویت ایرانی یعنی مجموعه فرهنگ و آداب رسومی که در فلات ایران حاکم بوده است در اثر برخورد با تمدن ها و قبایل بیابانگرد نابود نشده است و به صورت تداوم تا زمان فعلی ادامه یافته است. اعتقاد به یکجانشینی، آبادانی زمین، عقلانیت معاش، اخلاق گرایی و آرمان اندیشی، فرهمندی، تاریخ قدسی، اشه و نظم زمینی، کیهان اندیشی و ... از عناصر اندیشه ایرانی است. اغلب این شاخص ها با صلح قابل جمع است چرا که بدون گوش سپردن، رواداری، تکثرگرایی و اخلاق امکان رسیدن به جامعه مد نظر ایرانیان وجود ندارد.

ایرانشـهر مرکـز عـالم و جغرافیـای مفهـومی قلمـروی سـرزمینی فـلات ایـران اسـت کـه در عصـر هخامنشـیان تـا ساسـانیان توانسـت الگـوی صـلح ایرانـی را شـکل دهـد (ملایـری 1375: 37). بـرای اولـین بـار در تـاریخ موسـس ایران یعنی کوروش رسم برده داری را کنـار زد بـه جـای کشـتار، تجـاوز و عصـبیت هـای مـذهبی روایـت هـای انسـانی و صلح آمیز را حاکم نمود. تولد ایـران باسـتان بـا منشـور حقـوق بشـر کـوروش همـراه اسـت کـه در آن از حقـوق برابـر انسان ها و آزادی هـای آنهـا نـام بـرده شـده اسـت. کـوروش در زمـانی کـه پادشـاهان دیگـر فتوحـات و جنایـت هـای خـود را بـه عنـوان سـند افتخـار ثبـت مـی‌کردنـد، سـر بـرآورد و ثابـت کـرد کـه شـیوه انسـانی و روادارانـه حکمرانـی استاندارد است و از ایـن بـه بعـد بایـد از شـیوه او کـه در سـنگ نوشـته هـا ثبـت شـده اسـت ،اسـتفاده کـرد. همـه آزاد هستند، برابری انسان ها پذیرفتـه شـده اسـت، ادیـان آزاد هسـتند و هـیچ کـس را نبایـد مـورد تهدیـد و تفتـیش عقایـد قرار داد. این مبنای انسانی نمایان گر تحـول خـرد حکومـت منـدی اسـت کـه ایرانیـان موسـس آن بـه شـمار مـی‌رونـد. بعـد از حملـه اعـراب هماننـد حملـه اسـکندر هویـت ایرانـی بـا خطـر نـابودی مواجـه گردیـد؛ امـا ادبیـات فارسـی از آن روزگـار تلـخ تـا عصـر حاضـر وظیفـه حمایـت و سـتایش از هویـت ملـی را برعهـده دارد. بخشـی از ادبیـات فارسـی بـه اندیشـه شـاعران و نثرنویسـان ایرانـی اختصـاص دارد کـه بـه دنبـال احیـای میـراث باسـتانی مـی‌باشـند. در حـالی کـه دستگاه خلافت و اندیشـه هـای دگـم و متعصـبانه بـا رجـوع بـه گذشـته و صـدر اسـلام هـر گونـه خشـونت و جنـگ را تقـدیس مـی‌کردنـد؛ رشـد و توسـعه تمـدن ایرانـی در پرتـو کـار، تـلاش و آبـادانی خلاصـه مـی شـد کـه در طبقـات یکجانشین تـاجر، کشـاورز و صـنعت کـار مشـاهده مـی‌گردیـد. وضـعیت صـلح اوضـاع مسـاعدی بـرای ایرانیـان فـراهم می کـرد و هـر گونـه جنـگ، تکفیـر و خشـونت ایـده ایـران را بـا خطـر مواجـه مـی‌سـاخت. ایرانیـان بـرای مقابلـه بـا استبداد سیاسی و مـذهبی بـه سـمت قلعـه، قنـات و وقـف حرکـت کردنـد بـه گونـه ای کـه همچنـان صـلح و دسـتگاه معرفتی روادارانه منافع و امنیت ایران را شکل می‌داد.

بر اساس جهان زیست ملی گرایی ، صلح جـز الزامـات تمـدن ایرانـی اسـت و ارتبـاط زیـادی بـا یکجانشـینی و تولیـد دارد. جنگ برای قبایل و جمعیت هـای کـوچ رویـی اسـت کـه از راه تعصـب و غنیمـت معیشـت خـویش را شـکل مـی-دهنـد. آبـادانی جـز اصـول ایرانشـهری اسـت کـه نتیجـه آن صـلح و آرامـش اسـت. در جنـگ، خشـونت، تعصـب، بـی ثباتی و آشوب نمی‌توان عمـران و آبـادانی انجـام داد و ایـن مـورد را ایرانیـان بخـوبی مـی‌دانسـتند. در ادبیـات اندرزنامـه نویسی ایران همیشه برای برقراری ثبات راهکار ارائـه شـده اسـت و در ایـن متـون سـعی گردیـده اسـت تـا حـد ممکـن بر صلح و مدارا پافشاری گردد. فردوسی برآمـدن تازیـان در ایـران را نقـد مـی‌کنـد و مـی‌گویـد اگـر آنهـا قـدرت بگیرنـد تاج و تخت و ثبات را به هم خواهند زد. قبیلـه هـا همیشـه خرابـی بـه بـار مـی‌آورنـد و منطـق عصـبیت بـر کـردار آنهـا حاکم است. فردوسی در مورد حمله قبایل وحشی تازیان می‌سرآید:

" نه تخت و نه دیهیم بینی نه شهر از اختر همه تازیان راست بهر.

ز پیمان بگردند و از راستی گرامی شود کژی و کاستی.

کشاورز جنگی شود بی هنر نژاد و هنر کمتر آید به بر.

زیان کسان از پی سود خویش بجویند و دین اندر آرند پیش" (فردوسی1389 : 420-419).

این قبایل بر اساس غنیمت، تعصب و عقیده دینی می‌جنگیدند و با صلح سر سازش نداشتند. اغلب ادبیات فارسی ایران در مواجهه با تندروی های خشک مذهبی شکل گرفته است که مردم را به سمت ریاکاری و خشونت سوق می‌دادند. سعدی با شکوه می‌سراید: "بمردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی بریزد زمین "(سعدی 1377). علاوه بر مبانی طبقاتی و اندیشه‌ای، ایرانیان از دیرباز طرفدار موسیقی، جشن و شادی بوده اند. جشن های نوروز، سده، مهرگان و یلدا برای یکجا نشینی و گریز از تکرار ملامت آمیز بود.

این فرهنگ در انقلاب اسلامی ایران نیز نمود پیدا کرد. فرهنگ ملی یعنی خودکفایی، استقلال، عزت نفس، حفظ تمامیت ارضی، دفاع از هویت ملی ایران که در قانون اساسی موارد زیادی برای الزام دولت به حفظ و پیگیری آنها آورده شده است. در قانون اساسی آمده است: "در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک‌ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است "(قانون اساسی: اصل9). بیشترین میزان حدنصاب برای مصوبه تعیین مرزها در مجلس عنوان گردیده است. حفظ تمامیت ارضی وظیفه دولت است و از سوی دیگر، در انقلاب اسلامی ایران به استقلال دست پیدا کرد. در قانون اساسی آمده است: "وظیفه دولت تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور است" (قانون اساسی: اصل 3).

قبل از انقلاب اسلامی یعنی دوره پهلوی ایران طرفدار غرب بود تا جایی که جنگ های نیابتی برای آمریکا و اروپا انجام می‌داد. امام خمینی عنوان کرد که ایران دارای منافع ملی است و در این راستا باید مستقل باشد. بعد از جنگ ایران و عراق رویه های آرمان گرایانه سیاست خارجی ایران کم رنگ تر شد و باعث شد وجوه ملی‌گرایانه در سیاست داخله و خارجه افزایش پیدا کند. نظریه ام القری وجهه ملی گرایانه دارد و عنوان می‌کند اصل، حفظ کشور و دولت ایران است چرا که مرکز و الگوی رفتاری سایر کشورهای اسلامی می‌باشند. بتدریج اعراب رو در روی ایران قرار گرفتند چرا که اسلام سیاسی شیعی در ایران را ادامه دهنده راه رافضیان و زرتشتیان می‌دانستند. بعد از انقلاب، ایران به هیچ کشوری حمله نکرد و در منطقه نیز زمینه های همگرایی و صلح را فراهم نمود. اعراب، ترکیه و گروه‌های تندرو در جهت مهار ملی گرایی نهفته در پس ذهن سیاستمداران و اندیشمندان ایرانی از هیچ اقدامی دریغ نکردند. در زمان کنونی نیز گروه های متعصب و کشورهای تندرو از خشونت و جنگ دفاع می‌کنند و بر اساس جهان بینی ملی، ایران کشوری است که از صلح در منطقه دفاع می-کند. دشمن اصلی و نابودگر داعش و تروریسم در منطقه ایران است به گونه ای که عربستان، ترکیه، آمریکا و اروپا بدون در نظر گرفتن قدرت ایران در بازی خشونت بار منطقه ،روی آرامش را نخواهند

دید. داعش، عربستان و بسیاری از کشورهای اسلامی رفتار جمهوری اسلامی را بر اساس پندار ایران باستان تحلیل می‌کنند و اعتقاد دارند که ایران از نظر نظامی و جنگ در حمله تازیان شکست خورد اما به لحاظ فرهنگی و هویتی دوباره زنده گردید. امام خمینی(ره) عزت منطقه و جهانی را به ایران بازگرداند و انقلاب اسلامی باعث شد ایران منطقه ای امن و طرفدار صلح شناسایی شود. این مورد اکنون در قرن بیست و یکم بهتر مصداق دارد تا فضای آشفته و تازه ایجاد گردیده‌ی پس از جنگ سرد که آشوبی نهفته در خود حمل می‌کرد.

4-صلح در پدیدار انقلابی جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی در سال 1357 ش روی داد و در باره پیش بینی، زمینه ها و نتیجه آن اغلب تحلیل گران از رویکردهای مدرن تا پست مدرن اشتباه کردند (2013Axworthy: 150-133). تا امروز نیز آنچه در مورد انقلاب، امام خمینی(ره)، نظام سیاسی ایران می‌نویسند برگرفته از جو اسلام و ایران هراسی است که از سوی آمریکا، اسرائیل و عربستان در منطقه و جهان پخش شده است. ایران را کشوری خشونت طلب، ضد حقوق بشر و دموکراسی نشان می‌دهند که مدام در حال اعدام و اجرای خشک احکام مذهبی است که هدف نهایی شان گرفتن منطقه و صدور انقلاب به جهان است. کافی است به گزارش های راهبردی، کتاب ها، پژوهش هایی که هر سال در مورد تحولات سیاسی ایران چاپ می‌شود بنگرید تا این تصویر که در رسانه ها نیز ترویج پیدا کرده است ،نمایان شود. ایرانیان به علت استبداد و وابستگی رژیم پهلوی و توسعه ناموزون داخلی او محمدرضاشاه را سرنگون کردند و در یک انقلاب سراسری با دال ها و گزاره های مذهبی به رهبری امام جمهوری اسلامی را شکل دادند. برخی از شاخص ها و عناصر، ریشه در اندیشه انقلابی دارد. جمهوری اسلامی دارای جهان زیست انقلابی است و در ادبیات علوم سیاسی انقلابی بودن شاخص هایی دارد.

جهان زیست انقلابی جوی متحد مبتنی بر وحدت وجود دارد که در آن انسان ها در کنار یکدیگر قرار می-گیرند و به قصد رسیدن به یک هدف یکدیگر را یاری می‌دهند. جنبشی سراسری که بر ترس و زندگی روزمره غلبه می‌کند و آرامش و شادی بالا به همراه دارد. در ابتدای شکل گیری انقلاب تنها کسانی که به انقلاب اعتقاد داشتند، پیشگام بودند و کم کم توده مردم به آنها ملحق شد. هر چه خطرات و هزینه های اقدامات رادیکال انقلابی کمتر باشد مردم بیشتر به صف مبارزه اضافه می‌شوند. انقلاب پیروز می‌شود و مردم موفق می-گردند، سیاستمداران محافظه کار را که قوانینی جهت تثبیت وضع موجود طراحی می‌کردند، سرنگون ساخته و جوانان و انقلابیون ،راس هرم حاکمیت را تصرف می‌کنند. مردم همچنان در خیابان هستند و دوست دارند روزهای مهربانی، یاری، همکاری و آرمان گرایی انقلابی تمام نشود اما بعد از چندی باید برای امور معاش به خانه بازگردند. جنگ قدرت در لایه های بالایی انقلابیون شروع می‌شود و احزاب و گروه های اندکی با

پشتیبانی رهبر انقلاب و مردم می‌توانند مناصب سیاسی را برای حزب و فرقه خود نگهداری کنند. رهبران و سیاست‌مداران انقلابی سعی می‌کنند جو حاکم بر انقلاب را حفظ کنند.

ضدیت با بوروکراسی یکی از شاخص های انقلابی گری است. اداره یا سازمان سالاری نوعی کاغذبازی وقت تلف کن به حساب می‌آید که باید همه تشریفات آن کنار زده شود و کارها با شدت و سرعت بالا انجام گیرد. در هر حال به مستضعفان و طبقات پایین باید رسیدگی شود چرا که شعار انقلاب دادن شغل، مسکن، بیمه و خدمات اجتماعی به این طبقات بوده است. سیاست مدارانی که اغلب از روستاها، حاشیه شهرها و طبقات پایین می‌باشند در همه سیاست گذاری های خود باید محرومان را مدنظر قرار دهند. استفاده از جمعیت جهت تایید کارها و به صحنه درآوردن مردم برای زنده نگهداشتن یاد انقلاب نیز از شاخص های جهان زیست انقلابی است. این جوانان انقلابی طرفدار طبقات پایین و ترویج دهنده سیاست های خیابانی به سمت تشریفات زدایی از نهادها و ساختار وزارت امور خارجه حرکت می‌کنند. اشراف و کهنه سواران دیپلماسی کشور کنار زده می‌شوند و نیروهای جوان انقلابی وارد کادر وزارت امور می‌گردند. تشریفات و فنون دیپلماسی محافظه کارانه کنار گذاشته می‌شود و الگوی انقلابی به نفع مستضعفان و محرومان جهان در دستور کار قرار می‌گیرد. جنبش های مختلفی که با فردگرایی، سرمایه داری، غرب، استبداد، استعمار و اسرائیل مشکل دارند، به عنوان محور مقاومت شناسایی و از طرف انقلابیون به رسمیت شناخته می گردد. حمایت از کشورهای مظلوم، ستم دیده، آفریقایی ها و حمایت از مبارزه کشورهای استعمار شده ،در اهداف سیاست خارجه انقلابی ایران دیده می‌شود.

همه این موارد الزاما به سمت خشونت و ضدیت با صلح حرکت نمی‌کند. ایران اغلب در برابر بلوک شرق و غرب در زمان جنگ سرد استقلال فکری داشت و انقلابی‌گری ایران گونه ای عدم تعهد و وابسته نبودن به شوروی و آمریکا بود. ایران همان طور که با آمریکا اختلاف داشت و رفتارهای سرمایه داری را نقد می‌کرد با شوروی و تفکرات مارکسیستی نیز میانه خوبی نداشت همچنین محتوای انقلابی گری ایران با ماتریالیستی مخالف بود. ایران کشوری انقلابی با هدف حفظ استقلال و روایتی آرمان گرایانه در سیاست خارجی است که پشتیبانی فرهنگی و دیپلماتیک از جنبش ها و کشورهای تحت ظلم و ستم می‌نماید. این شیوه اغلب باعث ایجاد صلح و امنیت در منطقه شده و سیاست خارجی ایران به نسبت پاکستان، عربستان، ترکیه و اسرائیل دارای وجوه اخلاقی و آرمانی است که به نفع مردم عمل کرده است. گسترش تروریسم و جنگ نتیجه اقدامات آمریکا و اسرائیل در منطقه بوده است و ایران با جریان های تکفیری با درخواست عراق و سوریه در حال جنگ است. ایران از حزب اله لبنان حمایت می‌کند و این جنبش انقلابی از همه مردم لبنان در برابر ظلم اسرائیل دفاع می-کند. هر کجا آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی قدم گذاشت و پایگاه نظامی ایجاد کرد، امنیت و ثبات خاورمیانه را به هم ریخت. گزاره های انقلابی در جمهوری اسلامی ایران دارای مبانی اخلاقی و اللهیاتی است که با تفکرات مارکسیستی قابل جمع نیست. یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ترویج الگوی باثبات، اخلاقی و صلح دوستانه در منطقه برای کشورهای اسلامی است که اغلب با دشمنی کشورهای منطقه و جهان

رو به رو شده است. در جهان زیست انقلابی ایران بر داشتن استقلال و مقاومت در برابر ظلم و استعمار تاکید شده است که نوعی عزت نفس و خودباوری در آن به چشم می‌خورد. در قانون اساسی اصل سوم آمده است: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار بردکه یکی از آنها عبارت است از: طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، نظم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان (قانون اساسی: اصل سوم).

امام خمینی(ره) عزت، اعتماد و استقلال ایران را بازگرداند و باعث گردید مسلمانان به قدرت خویش در پایان قرن بیستم پی ببرند. الگوی انقلاب ایران از سوی گروه های تکفیری با حمایت های مختلف در حال تحریف و تعریب شدن است به گونه‌ای که داعش دشمن اصلی خود را ایرانیانی می‌داند که با برچسب رافضی، صفوی و مجوس آنها را خطاب می کند. به زودی اروپا و غرب خواهند فهمید که برای حمایت از کشورهای استبدادی منطقه چه خطراتی را برای جهان ایجاد خواهند کرد. گروه های تکفیری ضد ایران بعد از مدتی از جنگ های نیابتی منطقه کنار خواهند رفت و بر ضد تشکیل دهندگان خود قیام خواهند نمود. غرب برای منافع کوتاه مدت خود ویروسی هوشمند را طراحی کرده است که به زودی به جان اروپا خواهد افتاد.

5-صلح در پدیدار انسانی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی ایران اصل چهاردهم آمده است:" به حکم آیه شریفه «لاینهاکم‌الله عن‌الذین لم یقاتلوکم فی‌الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان‌الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند" (قانون اساسی: اصل14). جهان زیست آخر مربوط به اقداماتی است که فارغ از ایدئولوژی و ایسم های مختلف برای همه انسان ها فارغ از دین، نژاد، جنسیت و ملیت صورت می‌گیرد. اقدامات بشر دوستانه و صلح طلبانه ای که از سوی اغلب بازیگران بین الملل صورت می‌گیرد و سازمان ملل در این زمینه پیشگام است. بخصوص در بحران های بزرگ مثل جنگ، نسل کشی، زلزله، سیل و ... کشورها در محیط بین الملل به کمک انسان‌ها می‌آیند. این اندیشه ابتدا از سوی فیلسوف آلمانی کانت مطرح شد که نیاز به سازمانی است که در آن همه انسان ها بتوانند به یکدیگر در سطح جهان یاری برسانند. جامعه ملل و بعدها سازمان ملل بر اساس این اندیشه شکل گرفتند که هرج و مرج و آنارشیک حاکم بر فضای بین الملل را کاهش و روابط انسانی مبتنی بر اخلاق بشر دوستانه را افزایش دهند.

ایران نیز در اقدامات خود بخصوص در زمینه میانجی گیری، کمک به سیل زدگان و آسیب دیدگان جنگ فعال بوده است. در قانون اساسی چنین موردی دیده نشده اما به صورت عملی جمهوری اسلامی ایران اقدامات صلح‌گرایانه و بشر دوستانه زیادی انجام داده است. این جنبه تاکنون در ایران جدی گرفته نشده بویژه در بعد

تئوریک و الزامات تکنیکی آن غفلت شده است. با توجه به اینکه بازنمایی فارغ از ایدئولوژیک، مورد توجه رسانه‌ها و افکار عمومی جهان است حتی کشورهای جنگ طلبی چون آمریکا که به عراق، افغانستان و کشورهای دیگر حمله می‌کنند و بر سر مردم بمب می‌اندازند، بلافاصله بازیگران هالیوود، نهادهای بهداشتی، آموزشی و هنری خود را به منطقه ویران شده، سرازیر می‌کنند و ژست بشردوستانه و صلح طلبانه می‌گیرند. در حالی که ایران در مبارزه با تروریست ها به کمک دولت های سوریه و عراق رفته است و در افغانستان، لبنان، پاکستان و بسیاری از کشورهای همسایه کمک های بشردوستانه انجام می‌دهد اما انعکاسی از این عملکرد دیده نمی‌شود. در همه جهان زیست های شیعی، ملی، اسلامی و انقلابی رگه های صلح بشردوستانه وجود دارد و جمهوری اسلامی ایران کشوری است که بر اساس اخلاق و آرمان گرایی حکمرانی می‌کند. به یاری دادن مظلومان ، دخالت نکردن در امور کشورها، امتناع از دادن پایگاه نظامی به کشورها، احترام به تعیین حق سرنوشت، گفتگو با ملت ها و اعتقاد به دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی عملی ایران دیده می‌شود اما به لحاظ نظری و داشتن برنامه منسجم هنوز طراحی نشده است. مراکز موازی با بی برنامه گی و اغلب در ناهماهنگی با یکدیگر، سیاست خارجی صلح گرا و بشردوستانه ایران را جهت دهی می‌کنند که گاهی باعث ایجاد مشکل می گردد. بودجه های زیاد بدون پاسخگویی، نهادهای موازی، نداشتن اولویت در سیاست گذاری روابط خارجی ایران در بعد ارتباط با ملت ها و موضوع صلح یکی از ضعف های جدی جمهوری اسلامی است. به لحاظ مبنایی و اصول انقلاب اسلامی هیچ تضادی بین آرمان ها و اندیشه های صلح گرایی انسانی و انقلاب اسلامی وجود ندارد اما این جهان زیست بعدی مغفول، به حاشیه رفته و فراموش شده است که باید تقویت گردد.

نمودار شماره2: پیدارشناسی صلح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

پدیدار صلح	تعریف	قانون اساسی	نمود عینی	آسیب شناسی	راهکار
اسلامی	حمایت از مسلمانان جهان	وحدت و امت جهان اسلام	امت اسلامی	تضاد شیعه – ایرانی با منطقه	ارتباط با دولت ها
شیعی	حمایت از شیعیان	ندارد	حزب اله	درگیری با عربستان	ارتباط با دولت ها
ملی	حفظ منافع ملی کشور	تمامیت ارضی	واقع گرایی	آسیب ندارد	تقویت گردد
انقلابی	حمایت از مستضعفان جهان	مستضعفان جهان	جنبش های انقلابی	درگیری با سرمایه داری	افزایش دیپلماسی
انسانی	اخلاقی انسانی	ندارد	صلح بشردوستانه	آسیب ندارد	تقویت گردد

نتیجه گیری

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است (قانون اساسی: اصل152). جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر، از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند" (قانون اساسی: اصل154).

الیور روآ در دوران پس از جنگ کتابی با محوریت ایران و از تجربه شکست اسلام سیاسی نوشت به گونه‌ای که پس از او اغلب پژوهش‌ها و نوشته ها در مورد انقلاب اسلامی براحتی از شکست، نابودی و متلاشی شدن اسلام سیاسی ایران نام می‌بردند (Roy 2007). این نوشتار سعی داشت این بازنمایی و تحلیل های مغایر با واقعیت را به چالش بکشد و از منظر پدیدارشناسی با تعلیق تمام نگره های منفی و سازه های رادیکالی که در باره ایران وجود دارد، جهان زیست صلح محور ایران را تحلیل کند. از منظر پدیدارشناسان جهان آنگونه ساده و بدیهی نیست که به نظر می‌آید و باید جسارت اندیشیدن را برای درک واقعیت داشته باشیم. پدیدارشناسی اعتقاد دارد با ذهنیت ریاضی و مهندسی و با تکیه بر داده هایی که در قصدیت های مختلف مدرن تولید می‌شود ،نمی توان اندیشه و کنش سیاسی جمهوری اسلامی ایران را شناخت. باید کمی در آگاهی هایی که چون کلیشه های تکراری در حال تقویت شدن است، شک کرد و به اصل واقعیت رجوع نمود. در اصل واقعیت متون، اندیشه و کنش های سیاست ایران قرار دارد که رگه های قدرتمندی از نخبه گرایی، واقع گرایی، محافظه کاری و توجه به صلح یافت می‌شود. اگر ایران همانند داعش و گروه های تندرو در جهان است چرا همیشه ثبات رفتاری داشته است و چرا جمهوری اسلامی از هم نپاشیده است؟ اگر ایران دارای نظام سیاسی تروریستی و اندیشه آن ضد حقوق بشر است چرا برای دستیابی به صلح در منطقه، چاره ایی جز راهکار ایران وجود ندارد؟ اگر امام خمینی (ره) اندیشمند و سیاستمداری رادیکال و جنگ طلب است چرا در منطقه هر کجا قصد رسیدن به صلح و دموکراسی دارند و در برابر افراط گرایی مقاومت می‌کنند، طرفداران حضرت امام هستند؟ پدیدارشناسی، منتقد تحقیقات و گزاره های کلیشه ای است که واقعیت را وارونه تفسیر می‌کنند.

در سال 2015م هنوز دیدگاه دنیا به ایران مسالمت‌آمیز نشده و این بینش از انقلاب اسلامی و مسئله گروگان گیری شروع شد و تا به امروز در زمینه انرژی هسته ای و مسائل سوریه تداوم دارد. ایرانیان در سیاست های منطقه ای نسبت به ترکیه، عربستان، قطر، پاکستان و حتی آمریکا و اسرائیل مسالمت آمیزتر و عقلانی‌تر عمل کرده اند. در سیاست گذاری منطقه ای ایران وحدت گرایی و اخلاق گرایی بسیار دیده می شود به نحوی که همیشه جانب مردم، مظلومان و آسیب دیدگان را می گرفت. از زمانی که داعش در منطقه قدرت-

نمایی خود را آغاز کرده است اگر ایران به کمک سوریه و بخصوص عراق نمی‌رفت و امکان ظهور روسیه در منطقه را فراهم نمی‌ساخت، اکنون درصد قابل توجهی بیش از میزان فعلی در اختیار خلافت تندروی داعش بود. نظم خاورمیانه به هم ریخته است، مهاجرت به شهرها، بیکاری جوانان، وضعیت خشکسالی و فقر باعث شده است که با مهاجرت مسلمانان تحقیر شده در اروپا روایت های بنیادگرایانه تروریستی مجال بروز پیدا کنند. یکی از دولت ها و روایت های عقلانی و خردمند در منطقه که می‌تواند بحران ها را مدیریت کند ،ایران است. ایران کشوری است با سابقه تداومی از ایران باستان که تا کنون دچار گسست شاخص های دولت نشده و از سوی استعمار یا خطوط جعلی جغرافیایی، ایجاد نگردیده است. ایران به وسعت تاریخ وجود داشته است و دارای نظام معنایی مستقل و قدرتمندی است که امروزه در بحران های خاورمیانه نمی‌توان آن را نادیده گرفت. حتی زمانی که ایران ابرقدرت دنیا بود و در عصر باستان نیمی از خشکی‌های زمین را در اختیار داشت، رفتارهای ناشیانه و جنگ طلبانه ابرقدرت های امروزی را انجام نداد. سرآغاز تمدن ایرانی با نکوهش جنگ و ستم و دفاع از حقوق بشر و احترام به عقاید با منشور کوروش آغاز شده است. ایرانیان هر کجای دنیا حکمرانی کرده اند به نام دولت ،آبادانی و شکوفایی فعالیت داشته اند. قنات، قلعه، وقف، کشاورزی، آبیاری، صنعت و تجارت، علم و دانش از شاخص های حکمرانی ایرانی است که برخلاف کشورهای ابرقدرت امروز صلح، رواداری، مدارا و همزیستی مسالمت آمیز در میراث نیاکان ایرانی نهفته است. برخلاف آمریکا که هر کجا قدم می‌گذارد و پایگاه می‌زند روی آرامش و صلح را از آن منطقه می‌برد، ایرانیان چنین نبوده اند و ضروری است سیاستمداران آمریکا کمی در مورد آداب و سلوک هخامنشیان مطالعه کنند تا رسم و سنت ابرقدرتی را بیاموزند. غرب ایران را همانند سایر کشورها و جنبش‌های اسلامی می‌نگرد و توان جدا کردن ایران از سایر بازیگران تروریستی را ندارد.

در این پژوهش با استفاده از پدیدارهای حاکم بر قانون اساسی ،جمهوری اسلامی ایران تحلیل گردید که ایران کشوری است که در آن مبانی صلح وجود دارد. ایران قصد تزریق زورآمیز هیچ ایدئولوژی به جهان را ندارد و اگر وارد جنگ و مناسبات خشونت آمیز گردید به دلیل تجاوز آشکاری بود که به تمامیت ارضی ایران صورت می گرفت. ایران به دنبال بمب هسته ای نبوده و همیشه از راه دیپلماسی و منطق خرد با دنیا مذاکره کرده است. ایران کشوری ضد حقوق بشر نیست و مکانیسم های دموکراسی، انتخابات، حوزه عمومی در آن به نسبت سایر کشورهای خاورمیانه به وفور یافت می‌شود. در ایران همه مناصب سیاسی انتخاب می‌شوند و پاسخگوی شهروندان هستند. نظارت وجود دارد و چرخش نخبگان در آن دیده می‌شود. ایران دارای حزب و جناح سیاسی است و این تصویر خشونت آمیز و تروریستی که از ایران ترسیم گردیده است ،ناشی از قصدیت های کشورهای ظالم و استبدادی است که تفاوت فرهنگی با ایران دارند اما سود آنها در انزوای ایران است. مبانی انسانی، اسلامی، ملی و شیعی ایران همه دارای روایت های محکم و انعطاف پذیری از صلح گرایی است که می‌تواند به عنوان الگو در منطقه مورد استفاده قرار بگیرد. مکانیسم اجتهاد، مصلحت، شورا و خرد جمعی در

فقـه سیاسـی شـیعه، تکنیـک عقـل معـاش گـرا و فنـون آبـادانی دنیـا در اندرزنامـه هـای ایرانشـهری، روایـت هـای متساهل و رندانه عرفان ایرانی بـه همـراه انسـانیت گرایـی در تفکـرات راسـت و چـپ جدیـد در ایـران صـلح اندیشـی را امکان پذیر ساخته است. در بعد عملـی نیـز ایـران هـیچ گـاه بـه کشـوری لشکرکشـی نداشـته ، پایگـاه نظـامی نسـاخته ،بمب اتم و موشک به شهری شلیک نکـرده و باعـث آشـوب و هـرج و مـرج یـا کودتـا در کشـوری نشـده اسـت. اغلـب این رفتارهـای جنـگ طلبانـه و خشـونت آمیـز را کشـورهای عربـی و آمریکـا مرتکـب شـده انـد و آنقـدر در ایـن زمینـه غیر مسئولانه رفتار کرده اند که صـلح منطقـه را از بـین بـرده انـد. اسـلام سـتیزی غربـی هـا باعـث شـده اسـت امـواج تروریسم و پناهندگی به کشورهایشان روانه شوند و این بلا دامن گیر آنها گردد.

حملـه کننـدگان بـه سـازمان تجـارت جهـانی، عملیـات هـای انتحـاری و بمـب گـذاری در مادریـد، لنـدن، پـاریس، بیروت و بغداد ایرانی نبودند و همه می‌داننـداز سـوی چـه کشـورهایی و پیامـد چـه اقـداماتی هسـتند. ایرانیـان بـه لحـاظ مبانی اندیشه و کنش سیاسی مخـالف خشـونت هسـتند و انقـلاب اسـلامی ایـران علـی رغـم آنچـه رسـانه‌هـا بازنمـایی می‌کنند ،طرفدار صلح و مروج انسـانیت و رواداری اسـت. ایـران نـه سـلطه مـی‌پـذیرد و نـه سـلطه گـر اسـت نـه پایگـاه نظامی در کشورهای دیگر دارد و نـه اجـازه مـی‌دهـد کشـورهای دیگـر در خـاک ایـران پایگـاه داشـته باشـند. ایـران در امور داخلـی کشـورهای دیگـر مداخلـه نمـی‌کنـد مگـر اینکـه ملـت یـا دولـت‌هـای تحـت ظلـم و سـتم از ایـران یـاری بخواهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمـده اسـت: "جمهـوری اسـلامی، نظـامی اسـت: بـر پایـه ایمـان بـه نفی هرگونه سـتمگری و سـتم‌کشـی و سـلطه‌گـری و سـلطه‌پـذیری، قسـط و عـدل و اسـتقلال سیاسـی و اقتصـادی و اجتمـاعی و فرهنگـی و همبسـتگی ملـی را تـأمین مـی‌کنـد" (قـانون اساسـی: اصـل2). ایـران بـا همـه کشـورهای غیرمحارب رابطه دارد و بـر عهـد و پیمـان خـود پابرجـا اسـت. پیـامبر باسـتان ایرانیـان راسـتی و صـلح را جـوهره دیـن خود مـی‌دانسـت و پیـامبر اسـلام (ص) و حضـرت علـی (ع) نیـز اخـلاق و راسـتی را از نشـانه هـای ایمـان و مسـلمانی می‌دانستند. ایرانیـان در فرهنـگ باسـتانی، اسـلامی و شـیعی خـود همـواره طرفـدار صـلح بـوده انـد و انقـلاب اسـلامی نیز بازگشتی به این سنت‌ها محسوب می‌گردد.

منابع

اسلامی، روح اله. (1394). **سیاست به مثابه تکنیک**. تهران: خرسندی.

جمادی، سیاوش. (1385). **زمینه و زمانه پدیدارشناسی**. تهران: ققنوس

رشیدیان، عبدالکریم.(1384). **هوسرل در متن**. تهران: نی.

سعدی، مصلح الدین .(1377). **بوستان**. تصحیح محمد علی فروغی. تهران: رجبی.

شریعتی، علی .(1390). **علی حقیقتی بر گونه اساطیر**. موسسه بنیاد تحقیقاتی دکتر علی شریعتی.

فردوسی، ابوالقاسم. (1389). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی. ج8.

فیرحی، داود. (1393). دین و دولت در عصر مدرن. تهران: رخدادنو.ج2.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران :

http://www.parliran.ir/index.aspx?siteid=1&pageid=219

مطهری، مرتضی. (1362). **خدمات متقابل اسلام و ایران**. تهران: صدرا .

ملایری، محمد. (1375). تاریخ و فرهنگ ایران. دل ایرانشهر. تهران: انتشارات توس.ج2.

هابرماس، یورگن. (1388). **ایمان و دانش**. ترجمه فرزین بانکی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هایدگر، مارتین .(1386). **وجود و زمان**. ترجمه محمود نوالی. تبریز: موسسه تحقیقاتی علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز.

هوسرل، ادموند .(1381). **تاملات دکارتی**. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نی.

Arjomand, Said Amir. (1988). **the turban for the crown, The Islamic revolution in Iran**: oxford.

Axworthy, Michael. (2013). **revolutionary Iran**. London: penguin book.

Ehteshami, Anoushiravan& Mahjoob, Zweiri. (2008), **Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad**, Published by Ithaca Press.

Honarbin, Mehri..(2010). **Becoming Visible In Iran Women In Contemporary Iranian Society**.London AndNew York: Tauris Academic Studies.

Hunter, Shireen T. (2010). **Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era, Resisting the New International Order**. London: Praeger.

Marschall, Christin. (2003) .**Iran's Persian Gulf Policy From Khomeini To Khatami**.Usa And Canada By Routledgecurzon.

Ramazani, R.K.(2001). Reflection of Iran's foreign policy: Defining the national interest .in the book: **Iran at the crossroads-** edited by John L Esposito and R.k Ramazani. New York, Palgrave.

Ramazani, R.K. (2008). Iran's Foreign Policy: Independence, Freedom and the Islamic Republic. in the book: **Iran's Foreign Policy from Khatami to Ahmadinejad**. Edited by Anoushiravan Ehteshami and Mahjoob Zweiri, Published by Ithaca Press.pp 1-17.

Ricks, Thomas M. (1992). Power Politics And Political Culture Us-Iran Relations. In The Book: **Iran Political Culture In The Islamic Republic** Edited By Samih K.Farsoun And Mehrdad Mashayekhi . London And New York: Routledge.

Roy, Olivier. (2007). **the failure of political Islam**, tranclated by Carol Volk. Newyor. Harvard College.